

گزارش سالانه عفو بین الملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران – سال میلادی ۲۰۱۷

مقامات حق آزادی بیان، تشکل و گردهمایی مسالمت‌آمیز و همچنین آزادی مذهب و عقیده را به شدت سرکوب و بسیاری از افرادی که دست به انتقاد زدند را زندانی کردند. محاکمات از اساس و به طور نظام‌مند ناعادلانه بودند. شکنجه و دیگر بدرفتاری‌ها متداول و همراه با مصونیت صورت می‌گرفت. شلاق، قطع عضو و دیگر مجازات‌های بی‌رحمانه به اجرا گذاشته شد. مقامات به اعمال گسترده تبعیض و خشونت بر مبنای جنسیت، عقیده سیاسی، باور مذهبی، قومیت، معلولیت، گرایش جنسی و هویت جنسیتی ادامه دادند. صدها نفر از جمله برخی در ملاءعام اعدام شدند و هزاران نفر در صف اعدام باقی ماندند. در میان آن‌ها افرادی بودند که در هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند.

پیشینه

در ماه مارس، شورای حقوق بشر سازمان ملل مأموریت گزارش‌گر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را تمدید کرد؛ مقامات ایران از دادن اجازه ورود او و دیگر کارشناسان سازمان ملل به کشور سر باز زدند.

در ماه مه پس از یک روند انتخاباتی تبعیض‌آمیز و رد صلاحیت صدها نامزد انتخاباتی بر اساس جنسیت، مذهب و عقیده سیاسی، حسن روحانی مجدداً به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. انتصاب افراد متهم به تخطی‌های جدی حقوق بشری به مناصب وزارتی انتقادهای عمومی را برانگیخت.

اتحادیه اروپا و ایران به سمت تمدید گفت‌وگوهای دوجانبه حقوق بشری حرکت کردند. همزمان چندین مدافع حقوق بشر به دلیل تماس با مقامات اتحادیه اروپا و سازمان ملل در حبس به سر بردند. چندین دولت از جمله دولت استرالیا، سوئد و سوئیس نیز گفت‌وگوهای دوجانبه حقوق بشری را با ایران آغاز کردند.

در اواخر ماه دسامبر هزاران ایرانی در اعتراض به فقر، فساد و سرکوب سیاسی به خیابان ریختند و اولین تظاهرات ضد حکومتی در چنین مقیاسی بعد از تظاهرات سال ۲۰۰۹ را شکل دادند.

آزادی بیان، تشکل و گردهمایی

مقامات به سرکوب شدید حق آزادی بیان، تشکل و گردهمایی مسالمت‌آمیز ادامه داده و بسیاری از منتقدان مسالمت‌جو را بر اساس اتهامات ساختگی امنیتی به زندان انداختند. در میان این افراد مخالفان سیاسی مسالمت‌جو، روزنامه‌نگاران، فعالان رسانه‌های آنلاین، دانشجویان، فیلم‌سازان، موسیقی‌دانان و نویسندگان و نیز مدافعان حقوق بشر از جمله فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق اقلیت‌ها، فعالان محیط زیست، فعالان اتحادیه‌های کارگری، فعالان کارزارهای مخالفت با اعدام، وکلا و آن‌هایی بودند که در پی حقیقت، دادخواهی و جبران خسارت در رابطه با اعدام‌های جمعی و ناپدید شدن‌های اجباری دهه‌ی ۶۰ هستند.

بسیاری از زندانیان عقیدتی در اعتراض به حبس ناعادلانه خود دست به اعتصاب غذا زدند.

مقامات پس از تظاهرات ضد حکومتی که در پایان ماه دسامبر در سراسر کشور آغاز شد صدها نفر از معترضان را بازداشت کردند. گزارشات حاکی از آن بود که نیروهای امنیتی معترضان غیرمسلح را توسط سلاح گرم و با استفاده بیش از حد از نیروی قهریه کشته یا زخمی کردند. در روز ۳۱ دسامبر وزیر ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات دسترسی به اینستاگرام و برنامه پیام‌رسان محبوب تلگرام را که توسط فعالان برای تبلیغ و حمایت از اعتراضات استفاده می‌شد، مسدود کرد.

پیشتر، مقامات قضایی با فشار مداوم بر وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات خواستار آن شده بودند که از تلگرام بخواهد سرورهای خود را به ایران منتقل کند و ده‌ها هزار کانال تلگرامی را که طبق گفته قوه قضاییه «امنیت ملی را تهدید می‌کردند» یا «به مقدسات دینی توهین می‌کردند» مسدود کند. تلگرام اظهار داشت که هر دو درخواست را رد کرده است.

دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله فیسبوک، توئیتر و یوتیوب همچنان مسدود ماندند.

در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری در ماه مه، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌های آنلاین با موج جدیدی از بازجویی‌های شدید و دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه روبرو شدند. افرادی که از تلگرام استفاده می‌کردند به ویژه در آماج محکومیت‌های شدید حبس که برخی از آن‌ها از ده سال تجاوز می‌کرد قرار گرفتند.

آزادی بیان در حوزه موسیقی نیز محدود ماند. زنان همچنان از آواز خواندن در اماکن عمومی منع شدند و مقامات به لغو اجباری کنسرت‌ها ادامه دادند. در ماه اوت، صدها تن از هنرمندان از حسن روحانی تقاضا کردند که به این محدودیت‌ها پایان دهد.

مقامات حمله‌های خشونت‌آمیز خود به مهمانی‌های مختلط خصوصی را ادامه داده، صدها جوان را دستگیر و بسیاری از آن‌ها را به شلاق محکوم کردند.

سانسور در تمام رسانه‌ها و انداختن پارازیت بر روی کانال‌های ماهواره‌ای خارجی ادامه پیدا کرد. مقامات قضایی آزار و اذیت روزنامه‌نگاران بخش فارسی بی بی سی را تشدید و اقدام به مسدود کردن دارایی‌های ۱۵۲ نفر از کارکنان و همکاران فعلی و پیشین بخش فارسی بی بی سی و منع آن‌ها از انجام معاملات مالی کردند.

انجمن روزنامه‌نگاران در حالت تعلیق باقی ماند.

تعداد بسیاری از دانشجویان به تلافی مشارکت در فعالیت‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز و علی‌رغم وعده‌های انتخاباتی حسن روحانی، از دسترسی به تحصیلات عالی باز ماندند.

ممنوعیت ایجاد اتحادیه‌های کارگری مستقل ادامه یافت و چندین فعال حقوق کارگری به‌طور ناعادلانه زندانی شدند. نیروهای امنیتی به سرکوب خشونت‌آمیز تجمعات مسالمت‌آمیز کارگران از جمله تجمعات روز جهانی کارگران ادامه دادند.

تعداد زیادی از فعالان محیط زیست به دلیل مشارکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز علیه آلودگی هوا، خشک شدن دریاچه‌ها، پروژه‌های تغییر مسیر رودخانه‌ها و عملیات تخلیه زباله مورد احضار، بازجویی، بازداشت و محاکمه قرار گرفتند.

رهبران مخالفین مهدی کروبی و میرحسین موسوی و همسر وی زهرا رهنورد بدون اتهام و محاکمه از سال ۲۰۱۱ تحت بازداشت خانگی به سر می‌برند.

شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر

شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر به ویژه در دوران بازجویی متداول بود. بازداشت‌شدگان تحت نظارت وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران غالباً برای مدت طولانی در سلول‌های انفرادی نگه داشته شدند که مصداق شکنجه است.

مقامات به طور سازمان‌یافته از انجام تحقیقات درباره مدعیات مربوط به شکنجه و مردود شمردن «اعترافات» بدست‌آمده تحت شکنجه سرباز زدند.

ممانعت مقامات از دسترسی زندانیان سیاسی به مراقبت‌های پزشکی مناسب ادامه یافت. در بسیاری از موارد این کار به عنوان مجازات تعدمی یا برای «اعتراف‌گیری» انجام می‌گرفت و از این جهت مصداق شکنجه بود.

زندانیان شرایط بی‌رحمانه و غیرانسانی از جمله ازدیاد جمعیت، محدودیت دسترسی به آب گرم، غذای نامناسب، تخت ناکافی، عدم تهویه مناسب و رخنه سوسک و حشرات در محل زندان را تحمل کردند.

بیش از دوازده زندانی سیاسی در زندان رجایی شهر کرج بین ماه‌های ژوئیه و سپتامبر در اعتراض به شرایط وخیم زندان دست به اعتصاب غذای طولانی مدت زدند. برخی از آن‌ها با اقدامات تلافی‌جویانه از جمله محرومیت از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، انتقال به سلول انفرادی و تشکیل پرونده‌های کیفری جدید مواجه شدند.

مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی

مقامات قضایی به صدور و اجرای مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی که نوعی شکنجه محسوب می‌شوند ادامه دادند. این مجازات‌ها در برخی موارد در ملاء عام به اجرا گذاشته شد.

افراد بسیاری از جمله کودکان برای دزدی و ضرب و شتم و نیز برای اعمالی همچون داشتن روابط خارج از ازدواج، شرکت در مهمانی‌های مختلط، مصرف مواد غذایی در ملاء عام در ماه رمضان و شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز که از نظر قوانین بین‌الملل نباید جرم محسوب شوند، با مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق روبرو شدند.

در ماه ژانویه روزنامه‌نگار حسین موحدی در نجف‌آباد در استان اصفهان پس از اینکه دادگاه او را به دلیل گزارش غیردقیق در مورد تعداد موتورسیکلت‌های توقیف شده در شهر توسط پلیس مجرم شناخت، ۴۰ ضربه شلاق خورد. در ماه اوت یک دادگاه کیفری در استان مرکزی فعال حقوق کارگری شاپور احسانی‌راد را به ۳۰ ضربه شلاق و شش ماه زندان برای شرکت در یک تجمع علیه شرایط ناعادلانه کار محکوم کرد.

در ماه فوریه دیوان عالی حکم کور کردن چشم یک زن را که پیشتر توسط یک دادگاه کیفری در استان کهگیلویه و بویراحمد صادر شده بود تایید کرد.

تعداد زیادی حکم قطع عضو نیز صادر و سپس توسط دیوان عالی تایید شدند. در ماه آوریل مسئولان قضایی در شیراز در استان فارس دست حمید معینی را قطع و پس از ۱۰ روز او را اعدام کردند. او به جرم قتل و سرقت محکوم شده بود. حداقل چهار مورد قطع عضو دیگر برای سرقت اجرا شد.

مسئولان همچنین دست به اجرای مجازات‌های ترذیلی زدند. در ماه آوریل سه مرد به اتهام انسان‌ربایی و دیگر جرایم با دست‌بسته و آفتابه به دور گردن در اطراف دهلران در استان ایلام گردانده شدند. هشت مرد دیگر به‌طور مشابه در پاکدشت در استان تهران در ماه ژوئیه تحقیر شدند.

در ماه مه زنی که به دلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج دستگیر شده بود توسط یک دادگاه کیفری در تهران به شستن اجساد به مدت دو سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. مرد دخیل در این رابطه به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

محاکمات ناعادلانه

محاکمات از جمله آن‌هایی که به احکام اعدام منجر می‌شد از اساس و به‌طور نظام‌مند ناعادلانه بودند. هیچ سازوکار مستقلی برای تضمین پاسخگویی و حسابدهی در قوه قضاییه وجود نداشت. نگرانی‌های جدی در مورد انتصاب قضات به ویژه قضات دادگاه‌های انقلاب بر مبنای عقیده سیاسی و ارتباط با نهادهای اطلاعاتی و عدم برخورداری قضات از تحصیلات حقوقی، به قوت خود باقی ماند.

مفاد قانون جدید آیین دادرسی کیفری در خصوص دادرسی منصفانه از جمله تضمین دسترسی به وکیل از زمان دستگیری و در طول تحقیقات دایماً مورد بی توجهی قرار گرفت. مقامات همچنان با استناد به ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری از دسترسی افراد بازداشت شده به دلایل سیاسی به وکیل منتخب خود جلوگیری می‌کردند. علارغم عدم انتشار هرگونه لیست رسمی، به وکلا مرتباً گفته می‌شد که در لیست تأیید شده توسط رئیس قوه قضاییه قرار ندارند.

محاکمات به‌ویژه آن‌هایی که در دادگاه‌های انقلاب برگزار می‌شد محرمانه و به‌شدت کوتاه بوده و در برخی اوقات فقط چند دقیقه به طول می‌انجامید.

اتباع خارجی و ایرانیان دوتابعتی همچنان مورد دستگیری و بازداشت‌های خودسرانه، محاکمات به‌شدت ناعادلانه و حبس‌های طولانی مدت قرار گرفتند. مقامات بر این ادعا بودند که در پی خنثی کردن «پروژه‌های نفوذ» طراحی شده توسط بیگانگان هستند. در واقعیت، چنین افرادی اغلب به دلیل بهره‌گیری مسالمت‌آمیز از حق آزادی بیان و ارتباطات خود به جرائم مبهم مرتبط با امنیت ملی متهم می‌شدند.

آزادی عقیده و مذهب

آزادی عقیده و مذهب در قانون و عمل به‌طور سازمان‌یافته‌ای نقض شد. مقامات همچنان افراد متعلق به همه باورها و مذاهب را وادار به رعایت مجموعه‌ای از قوانین و مقررات رفتار اجتماعی که برگرفته از یک تفسیر سخت‌گیرانه از اسلام شیعه است، می‌کردند. همه افراد جز مسلمانان شیعه از فرصت معرفی خود به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری یا دریافت پست‌های سیاسی کلیدی محروم شدند.

حملات وسیع و سازمان‌یافته علیه اقلیت بهایی ادامه یافت. این حملات شامل دستگیری‌های خودسرانه، حبس‌های طولانی مدت، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر، تعطیلی اجباری کسب و کار بهاییان، مصادره اموال بهاییان، ممنوعیت استخدام آن‌ها در بخش دولتی و عدم پذیرش در دانشگاه‌ها می‌شد. مقامات به‌طور منظم به نفرت‌پراکنی و تشویق به خشونت پرداخته و بهاییان را به عنوان «مرتد» و «نجس» بدنام می‌کردند. آزادی دو مرد با قید وثیقه که به قتل فرهنگ امیری به دلیل بهایی بودن او اعتراف کرده بودند، به نگرانی‌های موجود درباره امکان برخورداری از مصونیت از مجازات در صورت ارتکاب جرائم ناشی از حس نفرت دامن زد.

دیگر اقلیت‌های مذهبی که تحت قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند مانند یارسان (اهل حق) نیز با تبعیض سازمان‌یافته از جمله در آموزش و پرورش و استخدام روبرو شده و به دلیل اجرای دین خود مورد آزار و اذیت واقع شدند.

نقض حق تغییر یا ترک عقاید مذهبی نیز ادامه یافت. افرادی که به مسیحیت گرویدند به مجازات‌های شدید حبس در برخی موارد از ۱۰ تا ۱۵ سال محکوم شدند. حمله به کلیساهای خانگی ادامه یافت.

درویش‌های گنابادی با احکام حبس و یورش به اماکن عبادتی خود مواجه شدند. تعدادی به‌طور خودسرانه از کار اخراج شدند یا از پذیرش آن‌ها در دانشگاه خودداری شد.

کسانی که خود را خداناباور می‌دانند در صورت ابزار عقایدشان در خطر دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر و مجازات مرگ به دلیل «ارتداد» قرار می‌گرفتند.

مسلمانان سنی از ادامه تبعیض از جمله محدودیت در برگزاری نمازهای جداگانه برای مراسم عید فطر و ممانعت از گرفتن پست‌های عالی مرتبه گزارش دادند.

در اقدامی بی‌سابقه و مغایر با روند قانونی جاافتاده، دیوان عدالت اداری در ماه اکتبر عضویت سپینتا نیک‌نام، یکی از اعضای زرتشتی شوری شهر یزد، را طبق نظر دبیر شورای نگهبان به حالت تعلیق درآورد. دبیر شورای نگهبان گفته است که حاکمیت غیرمسلمان بر مسلمان برخلاف قانون شریعت است.

دست‌کم دو نفر به دلیل اجرای مسالمت‌آمیز حق آزادی عقیده و مذهب خود به اعدام محکوم شدند (برای جزئیات بیشتر به بخش آخر رجوع کنید).

تبعیض علیه اقلیت‌های اثنیکی

اقلیت‌های اثنیکی از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجانی، بلوچ‌ها، کردها و ترکمن‌ها در معرض تبعیض‌های نهادینه باقی ماندند که دسترسی آن‌ها به آموزش و پرورش، اشتغال، مسکن مناسب و پست‌های سیاسی را محدود می‌کرد.

استمرار بی‌توجهی به شرایط اقتصادی مناطق اقلیت‌نشین، موجب تعمیق بیشتر فقر و به حاشیه رانده شدن شد. در استان سیستان و بلوچستان ساکنین بسیاری از روستاها از عدم دسترسی به آب، برق، مدارس و خدمات درمانی خبر دادند. این استان محروم هنوز دارای نرخ بالای بی‌سوادی در میان دختران و نرخ بالای مرگ و میر نوزادان است.

آموزش و تعلیم در سطوح ابتدایی و متوسط همچنان تنها از طریق زبان فارسی انجام گرفت و این موضوع در افزایش ترک تحصیل در مناطق اقلیت‌نشین موثر تلقی شد.

انتقادات از عدم اتخاذ اقداماتی که ضامن خودگردانی اقلیت‌ها باشد ادامه داشت.

اعضای اقلیت‌هایی که علیه نقض حقوق خود اعتراض می‌کردند با دستگیری‌های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری‌های دیگر، محاکمات به‌شدت ناعادلانه، حبس و مجازات اعدام روبرو شدند. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی به‌طور مداوم فعالان حقوق اقلیت‌ها را به حمایت از «جریان‌های تجزیه‌طلب» و به خطر انداختن تمامیت ارضی ایران متهم می‌کردند.

ماموران مرزی ایران با مصونیت کامل از مجازات به شلیک غیرقانونی و کشتار تعدادی زیادی از مردان کرد غیرمسلح که معروف به «کولبر» هستند و در مرز بین کردستان ایران و عراق کالا حمل می‌کنند، ادامه دادند. در ماه سپتامبر نیروهای امنیتی تظاهراتی که در بانه و سنج در اعتراض به تیراندازی‌های مهلک به دو کولبر شکل گرفتند را به‌طور خشونت‌آمیز سرکوب و تعداد زیادی را بازداشت کردند.

در ماه سپتامبر هنگامیکه اعضای اقلیت کرد ایران گردهمایی‌هایی در حمایت از همه‌پرسی استقلال در منطقه کردستان عراق برگزار کردند، استان کردستان شاهد حضور سنگین نیروهای پلیس شد. تعداد زیادی طبق گزارشات دستگیر شدند.

در ماه ژوئن نیروهای امنیتی پیش از تعطیلات عید فطر در اهواز مستقر شدند تا از گردهمایی برنامه‌ریزی شده در اعلام همبستگی با خانواده‌های اعراب اهوازی که به دلایل سیاسی حبس یا اعدام شدند، جلوگیری کنند. بیش از دوازده نفر به‌طور خودسرانه بازداشت و افراد بیشتری برای بازجویی احضار شدند. مدافع حقوق بشر عرب محمد علی عموری همچنان در صف اعدام قرار دارد.

تبعیض علیه زنان و دختران

زنان در قانون و عمل تحت تبعیض‌های نهادینه شده قرار گرفتند از جمله در دسترسی به حق طلاق، اشتغال، ارث برابر، مناصب سیاسی و در حوزه‌ی قوانین خانواده و قوانین کیفری.

اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان و دختران مانند خشونت خانگی و ازدواج‌های زود هنگام و اجباری به‌طور گسترده و با مصونیت از مجازات ارتکاب یافتند. مقامات از جرم انگاری خشونت‌های جنسیتی بازماندند؛ پیش نویس لایحه‌ای در این مورد از سال ۲۰۱۲ در حال تعلیق مانده است. سن قانونی برای ازدواج دختران ۱۳ سال باقی ماند و پدران و پدربزرگان می‌توانستند برای ازدواج دختران حتی در سنین پایین‌تر از دادگاه کسب اجازه کنند.

همه ۱۳۷ زنی که برای نامزدی ریاست‌جمهوری ثبت نام کردند توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شدند. حسن روحانی با وجود درخواست‌های جامعه مدنی هیچ وزیر زنی را در کابینه خود ننگجاند.

حجاب اجباری دست پلیس و نیروهای بسیج را باز گذاشت که زنان را به‌دلیل نشان دادن مو از زیر روسری خود یا برای داشتن آرایش غلیظ یا لباس تنگ آزار و اذیت و بازداشت کنند. زانی که علیه حجاب اجباری کارزار به راه انداختند به‌طور سازمان‌یافته و با حمایت حکومت مورد افترا و اتهام زنی قرار گرفتند.

زنان ایرانی به‌موجب قانون مدنی از حق انتقال تابعیت ایرانی به فرزندان حاصل از ازدواج با مردان غیرایرانی محروم ماندند، حتی که مردان ایرانی مزدوج با زنان خارجی از آن برخوردار هستند.

مقامات در برابر فشارهای مداوم مردمی برای بازکردن استادیوم‌های فوتبال به روی تماشاچیان زن مقاومت کردند.

با عدم احیای بودجه‌ی برنامه‌های تنظیم خانواده که از سال ۲۰۱۲ قطع شده است، زنان با محدودیت در دسترسی به وسایل ضدبارداری روبه‌رو شدند. مجلس در ماه اکتبر قانونی را تصویب کرد که محدودیت‌های شدیدی بر انتشار اطلاعات در مورد راه‌های پیشگیری از بارداری اعمال می‌کند.

مسئولان به کنترل و محدود کردن سفرهای خارجی فعالان حقوق زنان ادامه دادند. عالیه مطلب‌زاده در ماه اوت به دلیل شرکت در یک کارگاه آموزشی در گرجستان در مورد «توانمندسازی زنان و انتخابات» به سه سال حبس محکوم شد.

تبعیض علیه افراد معلول و افراد اچ آی وی مثبت

کمیته حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل عملکرد حقوق بشری ایران را در ماه مارس بررسی کرد. این کمیته تبعیض و خشونت دولتی علیه افراد دارای معلولیت جسمی و ذهنی، عملکرد ضعیف در اجرای استانداردهای مناسب‌سازی بناها و محیط‌ها و امتناع از ایجاد تسهیلات مناسب در محل کار را محکوم کرد. این کمیته همچنین در مورد گزارش‌های مبنی بر بستری کردن اجباری معلولان و درمان‌های پزشکی غیر رضایت‌مندانانه برای افرادی که بر مبنای هویت جنسیتی و گرایش جنسی‌شان ناتوان تصور می‌شوند، ابراز نگرانی عمیق کرد. در ماه دسامبر مجلس قانونی برای حمایت از حقوق معلولان تصویب کرد که در صورت اجرای درست و کامل آن، استانداردهای مناسب‌سازی فضاهای عمومی و دسترسی به آموزش، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال بهبود می‌یابد.

در ماه اوت وزارت آموزش و پرورش شرایط و ضوابط تبعیض‌آمیزی برای استخدام معلمان اعلام کرد که از جمله آنها بیماری، لوچی چشم، خال صورت، کوتاهی قد و سنگینی وزن بود. به دنبال خشم و اعتراض عمومی، این وزارتخانه وعده اصلاح معیارهای اعلام شده را داد ولی اظهار کرد که افراد اچ آی وی مثبت از حق استخدام به عنوان معلم محروم خواهند ماند چرا که فاقد «صلاحیت اخلاقی» هستند.

مجازات اعدام

مقامات به اعدام صدها نفر پس از محاکمات ناعادلانه ادامه دادند. برخی از اعدام‌ها در ملاءعام انجام شد.

مسئولان کمپین‌های مسالمت‌آمیز علیه مجازات اعدام را همچنان «غیراسلامی» توصیف کرده و فعالان مخالف اعدام را مورد آزار و اذیت قرار داده و زندانی کردند.

اکثر اعدام‌ها به دلیل جرائم مرتبط با مواد مخدر بودند. اصلاحات قانونی که در ماه اکتبر به تصویب رسید مقدار مواد مخدر مورد نیاز برای صدور مجازات اعدام را افزایش داد اما همچنان اعدام را به عنوان مجازات حتمی برای طیف وسیعی از جرائم مرتبط با مواد مخدر حفظ نمود. با وجود اینکه این اصلاحات قانونی جدید عطف به ماسبق می‌شوند، تا پایان سال هنوز روشن نبود که مسئولان چگونه قصد دارند آنها را در خصوص تغییر احکام اعدام کسانی که از قبل در انتظار اعدام قرار داشتند اجرا کنند.

عفو بین‌الملل قادر به تایید اعدام چهار فرد که در هنگام وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند و شناسایی پرونده ۹۲ محکوم نوجوان که در خطر اعدام قرار دارند بوده است. آمار واقعی احتمالا بسیار بیشتر از این است. به دلیل اطلاع رسانی و کمپین‌های مردمی چندین اعدام برنامه‌ریزی شده در آخرین لحظات متوقف شده یا به تعویق افتادند. تعداد زیادی از محکومان نوجوان که پرونده‌شان از جهت ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مورد بازبینی قرار گرفت، پس از ارزیابی‌های سلیقه‌ای و نامشخص برای تشخیص «رشد و کمال عقلی» در هنگام وقوع جرم، مجددا محکوم به اعدام شدند.

مجازات اعدام برای جرائمی مانند «توهین به پیامبر»، «محرابه» و «افساد فی الارض» که از تعریف دقیق برخوردار نیستند، به قوت خود باقی ماند.

در ماه اوت معلم عرفان و زندانی عقیدتی محمد علی طاهری برای بار دوم با اتهام «افساد فی الارض» از طریق ایجاد گروه عرفان حلقه به اعدام محکوم شد؛ در ماه اکتبر دیوان عالی کشور حکم اعدام او را نقض کرد. او هنوز در سلول انفرادی به سر می‌برد.

زندانی عقیدتی مرجان داوری در ماه مارس با اتهام «افساد فی الارض» در ارتباط با عضویت در گروه مذهبی «اکنکار» و ترجمه مطالب آنها به اعدام محکوم شد. دیوان عالی بعدتر حکم اعدام را باطل کرد و پرونده را برای بررسی مجدد به دادگاه انقلاب در تهران فرستاد.

قانون مجازات اسلامی همچنان سنگسار را به عنوان یکی از شیوه‌های اعدام در نظر گرفت.

برخی رفتارهای جنسی همجنس‌گرایانه رضایتمندانه هنوز مشمول مجازات مرگ می‌شد.